

بازاندیشی نقش روحانیت شیعه در مدیریت جهان

عقیل ملکی فر

خردادماه 1393

malekifar@iranasef.org

بگذارید از همین ابتدا با خودمان صریح و شفاف باشیم. واقعیت این است که پاره‌ای از خوانندگان ما عنوان این مقاله را رؤیایی و بلندپروازانه خواهند یافت. ما نیز با این خوانندگان موافقیم، با این تفاوت که ما می‌گوئیم هر کار بزرگی با یک رویای بزرگ و الهام‌بخش آغاز می‌شود. وانگهی برای درست‌دیدن واقعیت‌هایی که بعضی‌ها سنگ آن‌ها را به سینه می‌زنند، نیاز به یک "شابلون" داریم. این شابلون همان رویای الهام‌بخش ما است. و اضافه می‌کنیم که منظور ما از رویا "چشم‌انداز" است. ما به رؤیاهای با عظمت در هر زمینه عقیده داریم، و آن‌ها را پیشران تحولات بزرگ می‌دانیم. و بر این باوریم که اگر قرار است در زمینه‌ای تلاش کنیم، خوب است برای یک رؤیای با عظمت تلاش کنیم، نه اهداف حقیری که از شدت حقارت در لابلای واقعیت‌ها گم می‌شوند. بخواهیم یا نخواهیم، روحانیت شیعه به ویژه از 15 خرداد 42 حرکت جهانی خود را آغاز کرده است. با پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران، که به زبان آینده‌پژوهی، یک "شگفتی‌ساز" بود، این حرکت به اوج رسید؛ اما نه به اوج نهایی. حرکت روحانیت شیعه، همانند رشته کوهی است که قله‌های فراوان دارد. انقلاب اسلامی صرفاً یکی از این قله‌ها بود. برپایی موفقیت‌آمیز جمهوری اسلامی به عنوان نخستین حکومت واقعاً دینی در جهان معاصر - جهانی که در دهه‌های 50 و 60 هجری شمسی میانه‌ای با دین و دین‌ورزی نداشت - یکی دیگر از این قله‌ها بود.

قله‌ی بعدی به گمان من شکل بخشیدن به تمدن نوین اسلامی است. تمدنی که حول جمهوری اسلامی ایران شکل می‌گیرد. در واقع ما باید به خلق یک امپراتوری اسلامی اما به شکل "مجازی" آن بیندیشیم، به طوری که هر یک از کشورهای اسلامی با حفظ استقلال کامل خود، نقش یکی از ایالت‌های آن را ایفا کنند. در این امپراتوری بزرگ و با عظمت، که زیر چتر تمدن نوین اسلامی شکل خواهد گرفت، روحانیت شیعه نقش راهبری خواهد داشت؛ یا بهتر است بگوییم می‌تواند داشته باشد. واضح است که ایفای موفقیت‌آمیز این نقش، شرط و

شروطی دارد. یکی از شروط مهم آن داشتن "نگرش تمدنی" در فراسوی نگرش ملی است. شرط لازم آن - که اتفاقاً شرط کلیدی است - توانایی "معماری" تمدن نوین اسلامی با مشارکت اکثریت امت اسلامی است. منظور ما از معماری در این جا طراحی جوانب گوناگون تمدن نوین اسلامی، کارکردهای آن در جهان آینده، نحوه‌ی تعامل آن با دیگر تمدن‌های موجود، و شناخت پیش‌شرط‌ها و الزامات تحقق آن است.

تمدن‌سازی توانایی بسیار می‌خواهد. همین اکنون که داریم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کشور را "طراحی" می‌کنیم، روحانیت باید فعالانه به میدان این پروژه بیاید، و هم‌چون معماران تمدن غرب در قرن‌های 17 و 18 و 19 میلادی، الگوی پیشرفت تمدن اسلامی را بنا نهد. آن‌گاه وظیفه‌ی کارشناسان ما - یعنی کارشناسان ایرانی - خواهد بود که این الگوی تمدنی کلان را به تناسب اقتضائات و شرایط کشور "بومی‌سازی" نمایند.

به گمان ما، روحانیت شیعه، هنوز نسبت خود با این الگو را تنظیم و شفاف نکرده، و تدوین آن را صرفاً به فن‌سالاران کشور سپرده است. فن‌سالاران هم دارند با دیدگاه صرفاً ملی به این الگو می‌نگرند. اگر روحانیت معظم شیعه با این پروژه منفعلانه برخورد کند، یک فرصت تمدنی بزرگ می‌سوزد و از دست می‌رود! ممکن است این اشکال بر دیدگاه ما وارد شود که گیریم روحانیت شیعه، الگوی اسلامی پیشرفت را به عنوان یک الگوی تمدنی طراحی کرد؛ آن‌گاه چه تضمینی وجود دارد که این الگو توسط دیگر ملل اسلامی هم پذیرفته شود؟

جواب این است که وقتی فرانسیس بیکن انگلیسی و پس از وی دفوتتن فرانسوی در قرن هفدهم میلادی سرگرم طراحی الگوی پیشرفت تمدن نوین غرب بودند، چگونه توانستند آن را به خورد دیگر ملل غربی بدهند؟ معلوم است، از طریق ترویج فعالانه‌ی الگوی خود در سراسر کشورهای غربی آن روز دنیا، به طوری که این الگو و اندیشه‌ی پشت آن در قرن نوزدهم (یعنی 2 قرن بعد) به خرد متعارف اکثر ملت‌های اروپایی تبدیل شد. در واقع روحانیت شیعه باید الگوی اسلامی پیشرفت را به یک "گفتمان تمدنی" در سطح ممالک اسلامی بدل نماید تا به تدریج مورد پذیرش ملت‌های مسلمان قرار گیرد. امروزه ابزارهای فراوانی برای ترویج این گفتمان وجود دارد.

اگر روحانیت شیعه بتواند از آزمون طراحی تمدن اسلامی با موفقیت بیرون آید، از آزمون طراحی تمدن بشری هم با موفقیت بیرون خواهد آمد.

منظور ما از طراحی تمدن بشری این نیست که روحانیت شیعه به تنهایی و به گونه‌ای یک جانبه می‌تواند و یا باید بتواند از پس معماری تمدن نوین بشری در هزاره‌ی جدید برآید. چنین چیزی نه ممکن است و نه مطلوب. غرض این است که روحانیت شیعه باید یک پای اصلی طراحی تمدن نوین بشر باشد. این، هم شدنی و هم مطلوب است. نویسنده‌ای غربی به نام سان تیکجوب حرف عمیق و زیبایی زده است. وی ابتدا مادی‌گرایی

افراطی تمدن غرب و فقدان معنا در آن را نکوهش می‌کند، سپس می‌افزاید که بشر امروز نیاز به کسی دارد که بتواند به نمایندگی از جهان معنوی با بشریت سخن بگوید. بدون شعارزدگی می‌پرسیم: "چه کسی بهتر از روحانیت شیعه می‌تواند به نمایندگی از جهان معنوی با بشریت امروز سخن بگوید؟" در حقیقت مهمترین و سنگین‌ترین نقشی که روحانیت شیعه می‌تواند در فرآیند خلق تمدن نوین بشری - "تمدن پساغربی" - ایفا نماید، سخن گفتن با بشریت به نمایندگی از جهان معنوی است.

اگر به گونه‌ای بدبینانه فرض کنیم که در حال حاضر درب دنیای واقعی قدرت جهانی به روی روحانیت شیعه بسته است، و این روحانیت یک کرسی دائمی در سازمان ملل ندارد تا به نمایندگی از جهان معنوی با کل بشریت سخن بگوید، چرا به ایجاد یک سازمان ملل مجازی نیندیشیم؟

چنین سازمان مللی در جهان آینده، که جهان مجازی است، کم‌قدرت‌تر از سازمان ملل واقعی نخواهد بود؛ به ویژه که اعضای این سازمان از فرزندان ملت‌ها خواهند بود، و نه لزوماً از سیاستمداران عمل‌گرای که صرفاً به منافع ملی خود می‌اندیشند، و اعتنایی به منافع و مصالح بشریت و نسل‌های آینده‌ی آن ندارند.

سازمان ملل مجازی با عقول و اذهان ملل دنیا سروکار دارد، و هدف آن ایجاد یک "امپراتوری ذهنی" از "فعالان آینده‌ی بشریت"؛ است؛ فعالانی که نه صرفاً نگاه ملی بلکه نگاه جهانی و بشری به مسائل دارند، و فطرت سالم بشریت را مخاطب خود می‌دانند.

شاید ده سال و شاید یکصد سال طول بکشد تا سازمان ملل مجازی بتواند سازمان ملل واقعی را به سود بشریت تغییر دهد و زمینه را برای حکومت جهانی حضرت صاحب‌الامر (عج) فراهم نماید؛ اما چه باک؟ که طولانی‌ترین سفرها نیز روزی با گامی کوچک آغاز می‌شوند.

یک نفر ممکن است این پرسش را مطرح کند که، "آیا بهتر نیست نخست ایجاد سازمان ملل مجازی ملت‌های اسلامی را تجربه کنیم، و سپس گام بلند ایجاد سازمان ملل جهانی را برداریم؟" ما می‌گوئیم این یک بحث تاکتیکی است، و پذیرش یا رد آن بستگی به سیاست روحانیت شیعه و درک آن از واقعیت‌های جهان معاصر دارد.

یکی از کارهای مهمی که سازمان ملل مجازی باید انجام دهد، تدوین منشور نوین حقوق بشر با الهام از آموزه‌های وحیانی تمامی ادیان ابراهیمی است. هم‌چنانکه می‌دانیم و می‌بینیم، حقوق بشری که با نگاه اومانستی و سکولار تدوین شده، اکنون به چماقی برای سرکوب حکومت‌های مستقل دنیا تبدیل شده است. این چماق را باید به صورت تهاجمی از قلندران بین‌المللی گرفت، و بر سر خودشان کوبید. از دیگر فعالیت‌هایی که سازمان ملل مجازی می‌تواند و باید انجام دهد، بررسی و تعیین اهداف هزاره‌ی بشریت است. مشابه این کار را سازمان ملل در دو دهه‌ی قبل (اگر در تاریخ آن اشتباه نکنم) انجام داده، و همه‌ی برنامه‌های توسعه‌ی جهانی

را بر پایه‌ی آن‌ها به پیش می‌برد. این‌ها اهداف "بی‌خطری" هستند که هیچ تعارضی با اهداف دنیای استکبار ندارند، و به همین دلیل مورد تایید آن‌ها قرار گرفته‌اند. تعیین اهداف هزاره‌ی بشریت با تدوین راهبرد جامع توسعه جهانی کامل می‌شود. تدوین و ترویج این راهبرد، از دیگر وظایف روحانیت شیعه خواهد بود.

البته انجام کارهای یادشده که نوعاً از سنخ برنامه‌ریزی برای آینده‌ی بشریت است، پیش‌نیازهایی دارد. یکی از ضروری‌ترین این پیش‌نیازها تاسیس یک **اتاق فکر بین‌المللی و قدرتمند** با عضویت اندیشمندان و آینده‌پژوهان سرشناس اما مستقل و منتقد بین‌المللی است که دست بر قضا شمار آن‌ها کم نیست. هدف این اتاق فکر که باید توسط حوزه‌ی علمیه‌ی قم و با مشارکت نهادهای بین‌المللی شیعه برپا شود، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آینده جهان اسلام و آینده‌ی بشریت بر پایه‌ی **آینده‌پژوهی** است. این اتاق فکر همراه با دیگر اتاق‌های فکر شناسنامه‌داری که هم اکنون در کشور فعالیت می‌کنند، ایران اسلامی را به یکی از چهار قطب آینده‌پژوهی در دنیا تبدیل خواهد کرد. می‌خواهم تاکید کنم که اگر نگاه جهانی هم نداشته باشیم، باز باید بکوشیم تا کشورمان به یکی از چهار قطب آینده‌پژوهی جهان بدل شود. سه قطب دیگر آن عبارتند از: آمریکا، ژاپن و اروپا. اخیراً چین هم با تمام قوا به این حوزه وارد شده، و در آینده‌ی نزدیک به یکی از مدعیان جهانی آینده‌پژوهی تبدیل خواهد شد.

زمانی بود که روحانیت شیعه در گوشه و کنار جهان می‌توانست احساسات توده‌های مسلمان را در سراسر جهان برانگیزد و آن‌ها را برای مقابله با اهداف و مطامع نظام سلطه بسیج کند. امروز اما روحانیت شیعه باید اذهان و عقول توده‌های مسلمان و بلکه بشریت را از طریق فعالیت‌های علمی و عقلانی نظام‌مند علیه نظام سلطه بسیج کند. وینستون چرچیل می‌گفت: "امپراتوری‌های آینده، امپراتوری‌های اذهان هستند." این سخن او امروزه بیش از هر زمان دیگری مصداق دارد. روحانیت شیعه به منظور پیشبرد اهداف و برنامه‌های بلندپروازانه و متهورانه‌ی خود باید بتواند امپراتوری اذهان را در سراسر جهان بسازد و بگستراند، و خود در مقام راهبری این امپراتوری ایفای نقش کند. والسلام علی من التبع الهدی.